

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

تأثیر برنامه آگاه سازی بر تغییر نگرش دانش آموزان عادی دختر نسبت به همسالان دارای اختلال جسمی -
حرکتی در مدارس تلفیقی مقطع ابتدایی شهر اراک

نگارنده

فاطمه شمسی

استاد راهنما

نرگس ادیب سرشکی

استاد مشاور

دکتر گیتا موللی

استاد مشاور آمار

مرجان فرضی

زمستان ۹۱

شماره ثبت

۴۰۰۰-۱۷۰



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
تأییدیه اعضای هیات داوران

خانم فائقه شمسی

دانشجوی رشته: روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی مقطع: کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی: ۸۹۱۷۰۰۰۰۳ از پایان نامه خود تحت عنوان: "تأثیر برنامه آگاه سازی بر تغییر نگرش دانش آموزان عادی دختر نسبت به همسالان دارای اختلال جسمی - حرکتی در مدارس تلفیقی مقطع ابتدایی شهر اراک" در تاریخ: ۹۱/۱۲/۰۵ در حضور هیات داوران دفاع نموده و بر اساس مصوبات شورای تحصیلات تکمیلی نمره ۱۹/۷۵ (نوزده و هفتاد و پنج) با امتیاز: عالی به ایشان تعلق گرفت.

هیات داوران

۱. استاد راهنما:

سرکارخانم نرگس ادیب سرشکی

۲. استاد مشاور:

سرکارخانم دکتر گیتا موللی

۳. اساتید داور:

سرکارخانم دکتر فیروزه بساجدی

جناب آقای دکتر اصغر دادخواه

۴. مدیر گروه آموزشی:

سرکارخانم دکتر معصومه پور محمد رضای تجریشی

۵. کارشناس تحصیلات تکمیلی:

سرکارخانم



تعهد نامه چاپ مطالب و مقالات مستخرج از پایان نامه / رساله دانشجویی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با عنایت به اینکه هر گونه مقاله استخراج شده از پایان نامه یا رساله و/ یا چاپ و انتشار بخشی یا تمام مطالب آن مبین قسمتی از فعالیت‌های علمی- پژوهشی دانشگاه می باشد، بنابراین اینجانب **فائقه شمسی** دانش آموخته رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی متعهد می شوم که موارد ذیل را کاملاً رعایت نمایم:

۱. در صورت اقدام به چاپ هر مقاله ای از مطالب پایان نامه/رساله، خود را بعنوان دانش آموخته دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و مقاله را برگرفته از پایان نامه دانشجویی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی معرفی نموده و از درج نام و آدرس دیگر خودداری کنم.

۲. در صورت اقدام به چاپ بخشی از /یا تمام پایان نامه یا رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به اطلاع "انتشارات" و "دفتر تحصیلات تکمیلی" دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برسانم.

۳. در صورت اقدام به چاپ هر گونه متن علمی اعم از مقاله، کتاب، پمفلت و ... مستخرج از تمام یا بخشی از پایان نامه/ رساله خود، حتماً اسامی کلیه افرادی را که در انجام آن به صورت راهنما، مشاور، مشاور آمار و افتخاری بطور رسمی همکاری داشته اند، ذکر می کنم.

۴. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه یا رساله در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را درج نمایم:

" کتاب حاضر حاصل پایان نامه/ رساله کارشناسی ارشد خانم فائقه شمسی در رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی می باشد که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به راهنمایی سرکار خانم نرگس ادیب سرشگی و مشاوره سرکار خانم کینا موللی انجام و در سال ۱۳۹۱ از آن دفاع شده است."

۵. به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اهداء نمایم. (دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد).

۶. در صورت عدم رعایت بند ۵، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تادیه می کنم.

۷. قبول می کنم که در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، یا عدم رعایت هر یک از مواد این تعهدنامه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی می تواند مورد را از طریق دفتر حقوقی دانشگاه مطالبه و پیگیری قانونی نماید.

اینجانب فائقه شمسی دانشجوی رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی مقطع کارشناسی ارشد **کلیه مفاد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را بدون قید و شرط قبول می نمایم، و به انجام آن ملتزم می شوم.**

نام و نام خانوادگی
امضاء و تاریخ

۹۲،۲،۲۸

بنام عاشقترین

عاشقی دارم به نام خدا

معشوقی دارم به نام خدا

افراد دارای ناتوانی مانند سایر افراد جامعه خواهان احترام متقابل هستند.

این کمترین چیز است که طلب می کنند.

با آنها طوری رفتار کنید که انتظار دارید دیگران با شما رفتار کنند.

با همه وجود

سپاسگزار کسانی هستم که سر آغاز تولد من هستند. از یکی زاده می شوم و از دیگری جاودانه. استادی که سپیدی را

بر تخته سیاه زندگی ام نگاشت و مادری که تار مویی از او پبای من سیاه نماند.

و

تقدیم به آقای مسعود بهتوئی

که با تمام وجودش در تمامی لحظات رفیق راه من و صبورانه در کنارم بود.

آنجا که حضرت حق به قلم و محصول قلم سوگند یاد می‌کند، قدر و منزلت خاندان اهل قلم، جایگاهی ملکوتی و عرشی می‌یابد، پس تکریم و بزرگداشت اهل قلم به مصداق نبوی شریف، تشکر از پروردگار است و این واجبی است بزرگ، که خود اصل واجبات است.

ضمن تشکر و قدردانی از تمامی اساتید این دوره تحصیلی، سپاس و درود خود را به استاد عزیزم سرکار خانم نرگس ادیب سرشکی تقدیم می‌کنم که چه بسیار از ایشان آموختم و روی گشاده‌یشان و حسن نیتشان را در دوران دو ساله تحصیل دیدم و حس کردم. آرامش وجودشان همواره مایه آرامش بود. همچنین از زحمات بی‌شائبه و دلسوزانه اساتید محترم، دکتر گیتا موللی و سرکار خانم مرجان فرضی که برای این پایان‌نامه تلاش بی‌وقفه و پیگیر نموده‌اند کمال سپاس و قدردانی دارم. باشد که دست یاریگر اساتید محترم، همواره راه‌گشای تشنگان علم و دانش باشد. همچنین از کارشناس محترم گروه روانشناسی کودکان استثنایی، سرکار خانم افسانه ناظمی، به خاطر همکاری و مساعدتشان در انجام این پژوهش سپاسگزارم.

خدایا اگر من هرگز توان جبران محبتها و زحمتهایشان را نداشته‌ام تو بر آنان از دریای کرم و عطف و بخشش و مهربانیت، دریا دریا بیار.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه آگاه سازی بر بهبود نگرش دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی در مدارس تلفیقی نسبت به همسالان دارای ناتوانی جسمی- حرکتی صورت گرفته است. **روش:** ۶۲ دانش آموز دختر پایه پنجم ابتدایی از ۲ مدرسه ابتدایی تلفیقی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انتخاب شدند و با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای به صورت تصادفی در دو گروه مداخله (۳۱ نفر) و کنترل (۳۱ نفر) قرار گرفتند. با استفاده از پرسشنامه نگرش سنج گش (۱۹۹۳)، نگرش دانش آموزان قبل و بعد از مداخله مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفت. بخش نخست دارای ۲۰ پرسش بود که نگرش کلی و دو عامل جامعه طلبی و موقعیت تحصیلی را می‌سنجد. بخش دوم شامل ۳۱ ویژگی (مثبت، منفی و حساس) بود. یافته های حاصل، با استفاده از آزمون آماری t مستقل، تحلیل واریانس دو متغیری با اندازه گیری‌های مکرر و آزمون توکی تجزیه و تحلیل شدند. **یافته ها:** نتایج بیانگر آن بود که نگرش مثبت دانش آموزان گروه مداخله پس از شرکت در برنامه آگاه سازی، در مقایسه با گروه گواه به طور معنادار افزایش یافت ($P<0/01$). در خرده مقیاس‌های جامعه طلبی و موقعیت تحصیلی نیز این تفاوت معنادار بود ($P<0/05$). همچنین نتایج بیانگر آن است، دانش آموزان گروه مداخله در پس آزمون نسبت به پیش آزمون همین گروه ویژگی‌های منفی کمتر و ویژگی‌های مثبت بیشتری را برای توصیف دانش آموزان با ناتوانی جسمی- حرکتی به کار برده اند، ولی در مورد صفات حساس تغییر قابل ملاحظه ای ایجاد نشد ($P<0/05$). **نتیجه گیری:** شرکت دانش آموزان در برنامه های آگاه سازی موجب آگاه تر شدن آن‌ها نسبت به مسائل مربوط به ناتوانی و بهبود نگرش آن‌ها نسبت به همسالان دارای اختلال حسی- حرکتی می‌شود.

کلید واژگان: اختلال جسمی - حرکتی، مدارس تلفیقی، نگرش

فهرست مطالب

- ۱-۱ مقدمه ۱
- ۱-۲ بیان مسئله: ۲
- ۱-۳ اهمیت و ضرورت: ۷
- ۱-۴ اهداف پژوهش ۹
- ۱-۵ فرضیه های پژوهش ۱۱
- ۱-۶ متغیرها ۱۲
- ۱-۷ ملاک ورود: ۱۲
- ۱-۸ ملاک خروج : ۱۲
- ۱-۹ تعاریف نظری و کاربردی مفاهیم: ۱۳
- ۱-۹-۱ تعاریف نظری ۱۳
- ۱-۹-۲ تعاریف عملیاتی ۱۴
- فصل دوم : گستره نظری و پیشینه پژوهش
۱-۲ تعریف نگرش ۱۶
- ۲-۲ ضرورت مطالعه نگرش: ۱۷
- ۳-۲ ویژگی های نگرش ۱۸

- ۴-۲ مؤلفه های نگرش ۱۸
- ۵-۲ منابع نگرش: ۱۹
- ۶-۲ چگونگی شکل گیری نگرش ها ۲۰
- ۱-۶-۲ تجربه مستقیم ۲۰
- ۲-۶-۲ در معرض قرار گرفتن صرف ۲۱
- ۳-۶-۲ الگو و سرمشق گرفتن ۲۱
- ۷-۲ عوامل موثر در تکوین نگرش ها ۲۲
- ۸-۲ تناسب اطلاعات و تأثیر آن بر تعدیل قضاوت ۲۴
- ۹-۲ رابطه بین نگرش ها و رفتار: ۲۵
- ۱۰-۲ تغییر در نگرش: ۲۶
- ۱۱-۲ تاریخچه پژوهش ها و مطالعات درباره نگرش ۲۷
- ۱۱-۲-۱ تاریخچه نگرش نسبت به ناتوانی ۲۷
- ۱۲-۲ آمارهای جهانی شیوع ناتوانی: ۳۰
- ۱۳-۲ آمارهای شیوع ناتوانی در ایران: ۳۱
- ۱۴-۲ ناتوانی: ۳۲
- ۱۵-۲ تعریف ناتوانی جسمی - حرکتی ۳۲
- ۱۶-۲ شایع ترین آسیب های جسمی - حرکتی ۳۳

- ۱۷-۲ سبب شناسی نقایص جسمی- حرکتی ۳۳
- ۱۸-۲ میزان شیوع ۳۵
- ۱۹-۲ طبقه بندی نقایص جسمی- حرکتی ۳۵
- ۲۰-۲ تلفیق دانش آموزان بنیادهای ویژه در مدارس عادی ۳۶
- ۲۰-۲-۱ دانش آموز عادی و تلفیق: ۳۸
- ۲۰-۲-۲ دانش آموزان استثنایی و تلفیق: ۳۹
- ۲۰-۲-۳ تلفیق دانش آموزان با اختلال جسمی- حرکتی در کلاسهای عادی ۴۱
- ۲۰-۲-۴ در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی ۴۵
- ۲۰-۲-۵ آماده سازی برای زندگی اجتماعی ۴۶
- ۲۰-۲-۶ تکنیک‌های تغییر نگرش در مدارس ۴۷
- ۲۱-۲ آشنا کردن دانش آموزان، با مفهوم ناتوانی (آگاه سازی) ۵۱
- ۲۲-۲ پیشینه‌ی پژوهش ۵۳
- ۲۲-۲-۱ پژوهش‌های انجام گرفته در خارج از کشور ۵۳
- ۲۲-۲-۲ پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور ۶۵
- فصل سوم: روش شناسی پژوهش
 ۱-۳ روش شناسی تحقیق: ۷۲
- ۱-۱-۳ نوع مطالعه: ۷۲

۷۲ ۲-۱-۳ جامعه و نمونه آماری و روش نمونه گیری
۷۳ ۳-۱-۳ ابزار جمع آوری داده ها
۷۵ ۴-۱-۳ روش اجرا:
۷۸ ۵-۱-۳ روش تجزیه و تحلیل دادهها
۷۸ ۶-۱-۳ ملاحظات اخلاقی:
 فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته ها
۷۹ ۴-۱ یافته های توصیفی
۸۲ ۴-۲ یافته های استنباطی
 فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۹۳ ۵-۱ بحث در چهارچوب یافته های پژوهش
۱۰۳ ۵-۲ نتیجه گیری:
۱۰۵ ۵-۳ محدودیت های پژوهش
۱۰۵ ۵-۴ پیشنهاد های پژوهش
۱۰۶ فهرست منابع
۱۱۴ ضمایم
۱۱۴ پیوست ۱- پرسشنامه نگرش سنج گش
۱۱۷ پیوست ۲- برنامه آگاه سازی

فهرست جداول

- جدول (۱-۳) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه..... ۷۵
- جدول (۱-۴) میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون t مستقل..... ۷۹
- جدول (۲-۴) میانگین، انحراف استاندارد حیطه های پرسشنامه..... ۸۰
- جدول (۳-۴) میانگین و انحراف استاندارد و صفات مثبت، منفی و حساس..... ۸۱
- جدول (۴-۴) نتایج آزمون t مقایسه میانگین..... ۸۲
- جدول (۵-۴) تحلیل واریانس دو متغیری مربوط به حیطه ها..... ۸۳
- جدول (۶-۴) آزمون توکی مربوط به حیطه ها..... ۸۵
- جدول (۷-۴) تحلیل واریانس دو متغیری مربوط به صفات مثبت..... ۸۶
- جدول (۸-۴) آزمون توکی مربوط به صفات مثبت..... ۸۷
- جدول (۹-۴) تحلیل واریانس دو متغیری مربوط به صفات منفی..... ۸۸
- جدول (۱۰-۴) آزمون توکی مربوط به صفات منفی..... ۸۹
- جدول (۱۱-۴) تحلیل واریانس دو متغیری مربوط به صفات حساس..... ۹۰

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۴) میانگین مربوط به مقایسه نمرات..... ۸۰
- نمودار (۲-۴) میانگین نمرات در کل پرسشنامه..... ۸۰
- نمودار (۳-۴) میانگین تفاضل نمرات در حیطه ها..... ۸۱
- نمودار (۴-۴) میانگین نمرات در صفات مثبت، منفی و حساس..... ۸۱

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

در دنیا، کودکانی زندگی می‌کنند که به دلیل داشتن نقیصه های ذهنی، فیزیکی، حسی و عاطفی، نیازهای ویژه ای دارند. بر طبق آمارهای بین‌المللی، در هر جامعه بین ده تا پانزده درصد کودکان تفاوت‌های فردی محسوس با سایر کودکان دارند؛ به طوری که نیاز به آموزش ویژه برای آن‌ها احساس می‌شود (افروز، ۱۳۷۷، نقل از ادیب سرشکی، ۱۳۸۶). همان طور که زمینه های رفاهی همچون امنیت، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، اشتغال و... برای مجموعه افراد سالم جامعه تدارک دیده می‌شود برای این قشر از جامعه نیز زمینه دسترسی به این امکانات می‌بایست فراهم گردد. شاید در گذشته های دور، به دلیل همبستگی‌های خانوادگی و قومی افراد دارای معلولیت کمتر از چرخه حمایت خانواده بیرون می‌ماندند ولی با صنعتی شدن جوامع و به وجود آمدن نظام شهرنشینی و تغییر شکل نظام خانواده از شکل هسته ای آن، حال جامعه است که نقش مسئول و متولی افراد خود چه سالم و چه معلول را عهده دار می‌باشد. یکی از این مسئولیت‌ها، فراهم آوردن شرایط آموزشی و پرورشی مناسب برای این کودکان است (فلچ^۱، ۲۰۰۰).

بدون تردید روشن است که خدمات آموزشی و توان بخشی موجود برای برطرف کردن نیازهای این افراد، کافی نیست و این افراد از فرصت‌های کافی برای پیوستن به زندگی اجتماعی و اشتغال به کار، محروم هستند. ایجاد نگرش^۲ مثبت نسبت به افراد با ناتوانی، فراهم نمودن فرصت‌های برابر و یکسان برای آن‌ها، شناخت نیازهای مختلف افراد و ارزش گذاری به آن‌ها و بالا بردن آگاهی افراد جامعه، شیوه های مبارزه با این محرومیت موجود هستند (زینی وند، ۱۳۸۸).

^۱.Flatch

^۲.Attitude

لذا از سالیان گذشته موضوع یکپارچه سازی^۱ فضای آموزشی و نهضت عادی سازی^۲ آموزشی برای افراد دارای ناتوانی در ایران و جهان شروع شده است. زمینه اجرای این برنامه ها ابتدا با بررسی نگرش معلمان و مربیان و در نهایت اجرای قانونمند تلفیق آموزشی برای آنانی که زمینه پذیرش در مدارس عادی را دارند شروع شده است. تلفیق آموزشی موجب پذیرش معلولان توانمند در جامعه شده، صرفه جویی هزینه های آموزشی را در بر دارد و موجب مسئولیت پذیری افراد جامعه در قبال معلولان و آگاهی از توانمندی های آنان خواهد شد (لطفی، حاج علی اکبر و کاظم نژاد، ۱۳۸۵).

۱-۲ بیان مسئله:

افراد با نیازهای ویژه تعداد قابل ملاحظه و فزاینده ای را در دنیای امروز پدید آورده اند. رقم تخمینی ۵۰۰ میلیون تن از نتایج مطالعات بخش های مختلف جمعیت به دست آمده است. این رقم با مشاهدات پژوهشگران و محققان مجرب تا دو برابر نیز برآورد می شود. در غالب کشورها از هر ۱۰ نفر لاقلاً یک نفر از نظر جسمی ذهنی یا اختلالات حسی دارای ناتوانی است (بابایی اهری، ۱۳۸۱ نقل از حریقی، ۱۳۸۷).

دانش آموزان استثنایی یکی از گروه هایی هستند که بیشترین آسیب را از محدودیت های آموزشی می بینند. برای باز گرداندن تدریجی ساختار طبیعی جوامع انسانی در حال حاضر در مدارس، یکی از راهکارها (برنامه تلفیقی^۳) است. یکپارچه سازی یا تلفیق اصطلاحی عمومی است که به جایگزینی دانش آموزانی که دارای ناتوانی هستند در محیطی گفته می شود که سایر همسالان آنها که فاقد ناتوانی هستند نیز در آن محیط شرکت می کنند (هوسپیان، ۱۳۷۸). در این راستا نظام آموزشی باید اطمینان دهد که هر دانش آموز در کلاس درس امکان رسیدن به فرصت های لازم برای بروز استعدادها و توانایی های خود را دارد و دستیابی به

^۱.Integration or mainstreaming

^۲.Normalization movement

^۳.Integrated method

چنین سطحی از اطمینان نیاز به رویکردی دارد که بتواند طیف وسیعی از گوناگونی‌ها و تفاوت‌ها را پوشش دهد.

در کشور ما در زمینه آموزش و پرورش کودکان استثنایی به منظور برابر سازی فرصت‌ها حرکت‌های قانونی به منظور آموزش فراگیر^۱ نیز آغاز شده است که نیازمند برنامه ریزی و توجه بیشتر می‌باشد (قاسمی، ۱۳۸۲). بنابراین، تدریجاً تلفیق دانش آموزان دارای ناتوانی در مدارس عادی به صورت همه جانبه آغاز گردید. البته فقط مناسب سازی فیزیکی فضای کلاس و حضور در کنار دانش آموزان عادی کافی نیست و باید عوامل دیگر که در موفقیت برنامه های تلفیقی موثرند را نیز در نظر گرفت. زیرا یکپارچه سازی به صورت خودکار نمی‌تواند منجر به روابط اجتماعی و دوستانه بیشتری بین دانش آموزان عادی و دانش آموزان با نیازهای ویژه شود (بوساерт^۲، کولپین^۳، پیجل^۴، پتری^۵، ۲۰۱۱) مطالعات نشان می‌دهند یکی از عوامل موثر در موفقیت برنامه های تلفیقی و ایجاد بستر مناسب برای آموزش فراگیر تغییر نگرش‌های منفی نسبت به افراد استثنایی است (فلج، ۲۰۰۰).

جونز^۶ (۱۹۸۴) معتقد است که در مسیر موفقیت برنامه های تلفیقی دو دسته عوامل آشکار و غیر آشکار وجود دارد و باید بر آن‌ها غلبه کرد. او بر این باور است که دسته اول عوامل فیزیکی و قانونی هستند ولی دسته دوم را عوامل نگرشی تشکیل می‌دهند که از دسته اول مهم‌تر و نافذتر هستند (جونز، ۱۹۸۴). زمانی که صحبت از موفقیت طرح آموزش تلفیقی می‌شود، نقش همکلاسی های عادی را به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت (ویسمه، ۱۳۸۴). نگرش همکلاسی ها یا دوستان نسبت همسالان با ناتوانی، به عنوان یک عامل محیطی

¹.Inclusive education

².Bossaert

³.Colpin

⁴.Pijl

⁵.Petry

⁶.Jones

می‌تواند مشارکت اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه را در کلاس‌های تلفیقی تسهیل سازد (ویگنس^۱، ۲۰۰۹).

مروری بر پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحت شرایط خاص احتمالاً روش‌های متعددی، می‌توانند در ایجاد تغییرات مثبت در نگرش کودکان نسبت به همسالان دارای ناتوانی مؤثر باشند؛ از جمله این روش‌ها می‌توان به تماس مستقیم یا غیرمستقیم با افراد دارای معلولیت، شبیه‌سازی معلولیت و فعالیت‌ها و طرح‌های ساده گروهی موفقیت آمیز اشاره کرد (دونالدسون^۲، ۱۹۸۰؛ هورن^۳، ۱۹۸۵؛ وتستین^۴، کرافت^۵ و وارگو^۶، ۱۹۸۴ نقل از ادیب سرشکی، ۱۳۸۶).

بنابراین بدیهی است گام اول موفقیت در برنامه‌های یکپارچه سازی در سایه شناخت عمیق و درست، نگرش دانش آموزان، دبیران، معلمان و اولیای دانش آموزان عادی و استثنایی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و آماده سازی و آگاه سازی آنان امکان پذیر خواهد بود (به پژوه و دادور، ۱۳۷۶). نگرش به آن دسته از رفتارهای آموخته شده اطلاق می‌شود که افکار، احساسات و اعمال انسان را هدایت می‌کند. نگرش، نوعی مکانیسم یا سوگیری درونی است که باعث می‌شود فرد به شیوه‌ای خاص عمل کند. نگرش‌ها تعیین می‌کنند که ما در محیط اجتماعی خود به چه چیزهایی توجه کنیم، اطلاعات مربوط به موضوعات نگرش خود را چگونه کدگذاری کنیم و چگونه در موقعیت‌های ویژه واکنش نشان دهیم. نگرش افراد نسبت به اشخاص با نیازهای ویژه از عوامل مهم و تعیین کننده در پذیرش یا عدم پذیرش این گروه در اجتماع می‌باشد (ساعی منش، ۱۳۸۱).

¹.Vignes

².Donaldson

³.Horne

⁴.Wetstein

⁵.Kroft

⁶.Vargo

نگرش‌های منفی مردم می‌تواند زندگی روزانه افراد دارای ناتوانی را تحت تأثیر قرار دهد. اگرچه امروزه در بسیاری از جوامع دیدگاه روشن بینانه‌تری نسبت به این افراد پیدا شده، با این وجود هنوز نگرش‌های قالبی تحقیر کننده نسبت به آنان وجود دارد، در حالی که در برخی از کشورها افراد ناتوان به عنوان یک شهروند از حمایت کامل، حقوق امتیازات قانونی برخوردارند ولی پذیرش اجتماعی این افراد در درون جامعه هنوز به سطح مطلوب نرسیده است. از زمانی که جنبش یکسان‌سازی آموزش دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی آغاز شده، اهمیت تغییر نگرش دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان استثنایی رنگ تازه‌ای به خود گرفته است (غیاث فخری و شکوهی، ۱۳۷۷).

برخی از تحقیقات انجام شده در کشورهای گوناگون گزارش می‌کنند که پس از جایابی دانش‌آموزان استثنایی در کلاس‌ها و مدارس تلفیقی بر نگرش افراد عادی اثر مثبت داشته است و تعدادی از پژوهش‌ها بر این دلالت دارند که تماس اجتماعی حاصل از برنامه‌های تلفیقی به خودی خود موجب تغییر نگرش نشده است. پژوهش‌های اخیر حکایت از آن دارد که رابطه و تعامل اجتماعی میان دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان استثنایی، می‌تواند بر نگرش دانش‌آموزان عادی تأثیر مثبت بر جا گذارد (دونالدسون^۱، ۱۹۸۰)؛ اما به طور مشخص معلوم نیست که این تغییر نگرش چگونه و بر اثر چه عواملی و در چه شرایطی صورت می‌گیرد (به پژوه و فتحی، ۱۳۸۱). به اعتقاد جردن^۲ و پروکتور^۳ (۱۹۶۹) در شکل‌گیری نگرش نسبت به افراد استثنایی، عوامل متعددی ممکن است، دخالت داشته باشند، این عوامل را می‌توان در فرهنگ افراد، باورهای مذهبی، زمینه خانوادگی و تاریخی آن‌ها، میزان و نوع رابطه و تعامل اجتماعی (مستقیم و غیرمستقیم از طریق تلویزیون) و همچنین میزان آگاهی و اطلاعات درباره موضوع مورد نظر جستجو کرد. بنابراین باید کوشید در بهترین زمان و مکان آموزش، یعنی دوران تحصیل در مدارس یا مراکز آموزشی به قشر در حال

^۱.Donaldson

^۲.Jordan

^۳.Proctor

آموزش خود بیاموزیم که چگونه به افراد با ناتوانی بنگرند. باید فرضت را غنیمت شمرد و از طریق برنامه های آموزشی به دانش آموزان عادی، همسالان با ناتوانی را نیز معرفی کرد و دلیل معلولیت، روش زندگی با آنان، نیازمندی هایشان، ابزارهای کمکی برای بهتر زندگی کردن آنان و به طور کلی، جایگاه این قشر را بشناسانیم و بیاموزانیم.

روان شناسان اجتماعی (بارون^۱ و بایرن^۲، ۱۹۸۷؛ مالیم^۳، ۱۹۹۷) بر این باور هستند که میزان کمی و کیفی اطلاعات و آگاهی فرد درباره موضوع یا شخص مورد نظر، می تواند بر شکل گیری و تکوین نگرش موثر باشد. اگر فردی نسبت به موضوعی آگاهی لازم را نداشته باشد، نگرشی هم نسبت به آن ندارد، اما به خاطر پیچیدگی جهان امروز، همه قادر نیستند اطلاعات لازم را به طور مستقیم و دست اول بدست آورند؛ پس به منابع و مراجع اطلاعاتی دیگر مانند، والدین، معلمان، رسانه های جمعی مراجعه می کنند.

نتایج تحقیقات در این زمینه یکسان نیستند و نیاز به مطالعه و پژوهش همچنان به چشم می خورد. خصوصاً در کشور ما که تحقیقات در این زمینه بسیار اندک است و هنوز آحاد جامعه با مسائلی چون یکپارچه سازی اجتماعی، عادی سازی و ... نا آشنا هستند. در حال حاضر، محققان به طور عمده بر نقش تعاملات اجتماعی در تغییر نگرش دانش آموزان مدارس ابتدایی نسبت به همسالان دارای ناتوانی متمرکز شده اند (کالیمون^۴، گتینجر^۵ و هانلی مکثور^۶، ۲۰۱۰). در تحقیقات انگشت شماری که در ایران صورت گرفته است، نتایج قطعی و مشخصی در مورد تأثیر رابطه اجتماعی بر نگرش افراد عادی نسبت به افراد معلول، به دست نیامده است. شایان ذکر است که اکثر تحقیقات انجام شده از نوع پس رویدادی است و تنها به بررسی تأثیر تماس

¹. Baron

². Byrne

³. Malim

⁴. Kalymon

⁵. Gettinger

⁶. Hanley-Maxwell

اجتماعی بر نگرش گروه های گوناگون نسبت به دانش آموزان استثنایی پرداخته اند و تأثیر اطلاعات بر نگرش، مورد غفلت واقع شده است.

همچنین بسیاری از پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است مبتنی بر تغییر نگرش دانش آموزان دبیرستانی معلمان و خانواده ها انجام شده و ضرورت تغییر نگرش دانش آموزان ابتدایی که می‌تواند به صورت پایه ای تغییراتی در ذهنیت فرد در بزرگسالی ایجاد کند مورد غفلت واقع شده است.

بنابراین هدف پژوهش بررسی این موضوع است که آیا می‌توان به وسیله برنامه آگاه سازی بر نگرش دانش آموزان عادی نسبت به دانش آموزان دارای اختلال جسمی- حرکتی در سیستم فراگیر تغییراتی ایجاد کرد؟

۱-۳ اهمیت و ضرورت:

همه افراد دارای نیازهای ویژه باید به عنوان انسان نگرسته شوند و حقوق کامل آنان رعایت، حفظ و تأمین شود. با نگاهی به شاخص‌هایی مانند درآمد، سطح تحصیلات و سواد، افراد دارای نیازهای ویژه و مقایسه آن با سایر افراد معلوم می‌شود که این افراد سهم کمتری در برخورداری از فرصت‌های موجود در جامعه را دارند. از دلایل مهم وجود نرخ‌های بیکاری، سواد و درآمد وجود نگرش منفی در سطح جامعه، خانواده و خود فرد دارای ناتوانی است. منابع محدود و نگرش‌های منفی در جامعه موجب عدم دستیابی به اهداف تلفیق می‌شود و باعث جدایی افراد با نیازهای ویژه از خانواده و جامعه می‌گردد. در تمام برنامه‌هایی که مربوط به توانبخشی مطرح است تغییر نگرش جامعه را مهم‌ترین عامل موفقیت برنامه ها می‌دانند (مسلمی، ۱۳۸۵).